

آسیای جنوب غربی: نظام جدید استراتژیکی

زیبا فرزین نیا^۱

اکنون جنگ با تروریسم همه جوانب دیگر امنیت جهانی را تحت الشعاع قرار داده است. تحولات مختلفی که امروز جهان تحت عنوان "جنگ علیه تروریسم" شاهد آن است در اثر حوادث ۱۱ سپتامبر به وقوع پیوسته و به نحوی شگرف سیاست‌های بین‌المللی و هنجارهای مورد قبول حاکم بر روابط بین‌الملل را تغییر داده است. واکنش آمریکا به این حوادث برای همه کشورهای جهان چالش‌ها و فرصت‌هایی را به وجود آورده است. برخی از کشورها در ائتلاف با آمریکا علیه تروریسم شرکت کرده‌اند و برخی دیگر همکاری مشروط با این کشور دارند و اما بعضی از کشورها با تغییر الگوی روابط بین‌الملل سعی می‌کنند اثرات منفی تغییر شرایط را کم کنند.

منطقه آسیای جنوب غربی در این شرایط به یکی از مناطق مهم در تحولات بین‌المللی تبدیل شده است چرا که بعضی از تحلیل‌گران معتقدند حوادث ۱۱ سپتامبر از این منطقه نشأت گرفته است. از این رو کشورهای افغانستان و پاکستان از ابتدا در خط مقدم جبهه مبارزه علیه تروریسم قرار گرفتند. هند که قدرت اصلی این منطقه است، در ائتلاف علیه تروریسم با آمریکا

۱. زیبا فرزین نیا، رئیس اداره انتشارات و کارشناس پاکستان در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

پیوست و سعی کرد که از طریق این ائتلاف اختلافات خود با پاکستان را در این قالب مطرح و حل نماید. این مقاله در نظر دارد که به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. کشورهای این منطقه در جنگ علیه تروریسم چه نقشی دارند؟

۲. روابط امریکا با هر یک از این کشورها به چه صورت تغییر یافته و چگونه نظام

جدید استراتژیک را در منطقه شکل می‌دهد؟

نقش پاکستان در جنگ علیه تروریسم و استراتژی جدید

در ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۱ بوش رئیس جمهور امریکا خواستار همکاری پاکستان در جستجو و دستگیری مسببان وقایع ۱۱ سپتامبر در امریکا شد که گمان می‌رفت قرارگاه آنها در افغانستان باشد، بدین جهت پاکستان در کانون توجه بین‌المللی قرار گرفت.^(۱)

حمله به مرکز تجارت جهانی در سال ۱۹۹۳، اسامه بن لادن و شبکه القاعده را مورد توجه همگان قرار داده بود. بمب‌گذاری در سفارت خانه‌های امریکا در کنیا و تانزانیا در سال ۱۹۹۸ و حملات تروریستی به ناو امریکایی در سال ۲۰۰۰ نیز به این شبکه نسبت داده شده بود. در اوت ۱۹۹۸ دولت کلینتون در یک عمل تلافی جویانه با بیش از ۵۰ موشک کروز و با استفاده از حریم هوایی پاکستان به پایگاه نظامی اسامه بن لادن در افغانستان حمله کرده بود. طالبان از همکاری با امریکا در مورد تحویل اسامه بن لادن امتناع ورزید. رژیم طالبان به دلیل اتخاذ قوانین سخت تحت لوای اسلام و به دلیل نقض حقوق اولیه مردم افغانستان مورد انتقاد غرب بود و از مقبولیت چندانی از سوی دنیای خارج برخوردار نبود. پاکستان، عربستان و امارات متحده عربی سه کشوری بودند که رژیم طالبان را به رسمیت شناختند و از آنها حمایت کردند.

برنامه‌های سلاح هسته‌ای، شرایط نامساعد اقتصادی، پشتیبانی از طالبان، افزایش فرقه‌گرایی و کودتای نظامی سال ۱۹۹۹، سبب تحریم و انزوای پاکستان در جامعه بین‌المللی شده بود. اولین تحریم در پی انفجارات هسته‌ای سال ۱۹۹۸ و دومین تحریم پس از کودتای نظامی سال ۱۹۹۹ از طرف کشورهای غربی بر پاکستان تحمیل شده بود.

پس از یازده سپتامبر، پاکستان به دلیل داشتن رابطه با طالبان و تجربه این کشور در امور افغانستان و موقعیت جغرافیایی آن تبدیل به یک عامل مهم در عملیات نظامی امریکا علیه اسامه بن لادن، طالبان و شبکه القاعده شد.^(۲) ژنرال مشرف در ۱۹ سپتامبر ضمن تشریح وخامت اوضاع و تغییر ۱۸۰ درجه‌ای در سیاست پاکستان در قبال افغانستان و عدم حمایت از طالبان از ملت خواست که به تصمیم وی اعتماد کنند. وی اظهار داشت: "از پاکستان خواسته شده تا از این جنگ حمایت کند. سه نکته مهم وجود دارد که امریکا به دنبال کمک پاکستان است. اول، تبادل اخبار و اطلاعات، دوم، استفاده از حریم هوایی ما و سوم حمایت‌های لجستیکی. اگر ما در این مقطع بحرانی تصمیم نادرستی اتخاذ کنیم، بی‌آمدهای ناگواری در بر خواهد داشت. از طرف دیگر اگر تصمیم درستی بگیریم، نتایج خوبی در پی خواهد داشت..."^(۳) "ژنرال مشرف در نطق خود چهار اولویت اساسی که نیاز به حفاظت داشتند را چنین برشمرد: ۱. امنیت کشور. ۲. اقتصاد و احیای آن ۳. توانایی‌های استراتژیک موشکی و هسته‌ای ۴. قضیه کشمیر.

وی همچنین روشن کرد که هند، دشمن اصلی پاکستان، با پیشنهاد حمایت بی‌قید و شرط از امریکا شامل استفاده از پایگاه‌های این کشور، حمایت لجستیکی و در اختیار گذاشتن اطلاعات در صدد سوء استفاده از موقعیت بود. امریکا همین حمایت را از پاکستان خواسته بود. از این رو عامل هند نقش مهمی در تصمیم پاکستان در حمایت از عملیات نظامی امریکا در افغانستان داشت. از آنجا که هند هیچ ارتباط مستقیم زمینی با افغانستان نداشت، حمایت پاکستان بسیار مهم‌تر از هند بود، و به صلاح منافع استراتژیک پاکستان نبود که دولت‌هایی متخاصم در مرزهای غربی (افغانستان) و شرقی (هند) خود داشته باشد. اما دولتی که در افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر تشکیل شده است همچنان با پاکستان مشکل دارد.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، پاکستان پس از بررسی موقعیت به ائتلاف ضد تروریسم به رهبری امریکا پیوست. امریکا از پاکستان خواست تا مرزهای خود با افغانستان را ببندد و همه فعالیت‌ها و تردد اعضای گروه القاعده به داخل و پیرامون پاکستان را متوقف کند، اخبار محرمانه و اطلاعات جمع‌آوری شده سازمان اطلاعات پاکستان در مورد اسامه بن لادن، سازمان القاعده و

طالبان را در اختیار امریکا بگذارد.

اجازه استفاده از حریم هوایی پاکستان برای عملیات تهاجمی نظامی علیه افغانستان، اجازه استقرار نیروهای امریکایی در پاکستان برای دستگیری اسامه بن لادن و به طور کلی به درخواست‌های امریکا برای همکاری بیشتر جواب مثبت بدهد.

به دلیل همکاری پاکستان در جنگ علیه تروریسم، تحریم‌های مربوط به آزمایشات هسته‌ای و کودتای نظامی لغو شد و برخی از وام‌های این کشور بخشیده شد و کمک‌های جدیدی دریافت کرد. آخرین مجموعه کمک ۳ میلیارد دلاری امریکا به پاکستان، در یک دوره بیش از پنج سال، در سفر ژنرال مشرف به امریکا در ژوئن ۲۰۰۳ اعلام شد. برای صدور این کمک یک کمیته از کنگره هر ساله تأیید رئیس جمهور امریکا را می‌خواهد که پاکستان اقدامات ضدتروریستی خود را انجام داده است.^(۴) تحولات پس از ۱۱ سپتامبر در منطقه و حمایت پاکستان از جنگ با تروریسم اثراتی بر منافع ملی این کشور در کشمیر، افغانستان، برنامه هسته‌ای و در سطوح داخلی جامعه داشته است.

در انتخابات پس از ۱۱ سپتامبر در پاکستان ائتلافی از گروه‌های مذهبی پیروز شدند که بر علیه امریکا و جنگ این کشور در افغانستان شعار می‌دادند.^(۵) ژنرال مشرف ممنوعیت برخی از سازمان‌های مذهبی را اعلام کرد و دستور تعطیلی بعضی مدارس مذهبی را که محل تعلیم گروه‌های افراطی شده بودند را صادر نمود. وی جمع‌آوری اعانه از سوی سازمان‌های مختلف برای تأمین بودجه گروه‌های به اصطلاح جهادی را ممنوع کرد.

ژنرال مشرف همچنین اعلام کرد که با هر شخص، گروه یا سازمانی که معلوم شود در تروریسم داخلی یا خارج از کشور دخالت داشته قاطعانه برخورد می‌کند و اظهار داشت هیچ سازمانی اجازه نخواهد داشت به نام کشمیر به اعمال تروریستی اقدام کند. امریکا نیز به اعمال نفوذ خود برای ترغیب هند به آغاز گفتگو با پاکستان در مورد کشمیر تمایل نشان داد.^(۶)

بنابراین پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات از طرفی نشان از رشد احساسات ضد امریکایی در داخل پاکستان دارد و از سوی دیگر سیاست ژنرال مشرف در زمینه تعقیب و

دستگیری و توقیف بعضی از رهبران و گروه‌های مذهبی از طرف احزاب و محافل داخلی پاکستان مورد انتقاد واقع شده است.

پی‌آمد دیگر جنگ علیه تروریسم در پاکستان این است که گرچه این کشور به دلیل برنامه هسته‌ای قبلاً مورد تحریم قرار گرفته بود ولی این تحریم‌ها با پیوستن پاکستان به ائتلاف علیه تروریسم لغو گردید ولی هنوز ظن و شک در مورد همکاری هسته‌ای پاکستان با کره شمالی و ایران وجود دارد.^(۷)

سیاست پاکستان در قبال افغانستان نیز با تغییر ۱۸۰ درجه‌ای از طرف محافل داخلی مورد انتقاد قرار گرفت گرچه برخی از سیاست‌مداران پاکستان از پیش این تغییر سیاست را پیشنهاد کرده بودند ولی رابطه عمیق و نهادینه‌ای میان سازمان‌های مختلف پاکستان به ویژه سازمان‌های اطلاعاتی و نظامی پاکستان و رژیم طالبان وجود داشت که به سادگی قابل تغییر نیست.^(۸) این رابطه سبب شد برخی از تصمیم‌گیرندگان به دنبال علایق سابق خود باشند و هنوز نیز پاکستان از طرف برخی از کشورها و حتی سیاست‌مداران امریکایی به دلیل رابطه با رژیم طالبان مورد اتهام قرار می‌گیرد. این مسأله درحالی است که این کشور و ژنرال مشرف از طرف طالبان و سازمان القاعده نیز به همکاری با امریکا متهم شده است و ژنرال مشرف مورد تهدید این سازمان قرار گرفته است.^(۹)

مسأله کشمیر نیز به تبع سیاست ژنرال مشرف در قبال افغانستان دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته است.^(۱۰) از طرفی پاکستان مرتباً از طرف هند به دلیل حمایت از نیروهای کشمیری مورد اتهام قرار می‌گیرد و از طرف دیگر فعالیت برخی از گروه‌های فعال در این منطقه از طرف ژنرال مشرف محدود و کنترل شده است و ژنرال مشرف از طرف پاره‌ای از سیاست‌مداران به همکاری با امریکا و عقب‌نشینی در مسأله کشمیر متهم شده است.^(۱۱)

این نکته را باید در نظر داشت که برخی از تحلیل‌گران مسائل منطقه‌ای معتقدند که سیاست‌مداران پاکستانی مخالفت‌های داخلی را تحت کنترل دارند و هر زمان که لازم بدانند برای گرفتن امتیاز از غرب از آن استفاده می‌کنند و هر موقع که ضروری ببینند این مخالفان را خاموش

می‌کند.^(۱۲) ولی به طور کلی میتوان گفت که موقعیت داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی پاکستان به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر و پی‌آمدهای آن به کلی دستخوش دگرگونی و تحول شده است.

نقش هند در جنگ علیه تروریسم و استراتژی جدید

بعد از آزمایش‌های هسته‌ای هند در مه ۱۹۹۸، تحلیل‌گران هندی نظیر جاسجیت سینگ تأکید داشتند که وسعت محدوده استراتژیک جدید هند آن چیزی است که آنها چارچوب آسیای جنوبی تعریف کردند. درحالی که اصول سیاست اتمی هند با تمرکز بر آگنی دو و موشک‌های اتمی زیردریایی با پیشرفت مداوم سیاست‌های پایگاه هوایی و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما محدوده ژئوپلیتیکی آسیای جنوبی را نشانه گرفته است. چارچوب آسیای جنوبی هند، شامل چین، آسیای مرکزی، افغانستان، ایران، عمان، جنوب آسیا، میانمار، تایلند، مالزی، اندونزی و اقیانوس هند شمالی می‌شود!^(۱۳) در دهه ۱۹۹۰ معاملات نظامی امریکا و هند باتبادل دوطرفه اطلاعات تکمیل شد. تا سال ۱۹۹۷ دو کشور پنج تمرین مشترک نظامی داشتند و در ژانویه ۱۹۹۵ یادداشت تفاهمی را در زمینه روابط دفاعی امضا کردند. آزمایش‌های هسته‌ای هند هم مانع عمده‌ای در همکاری امنیتی هند و امریکا نبود، گرچه تحریم‌های آزمایشات هسته‌ای شامل آن کشور هم شد. در واقع بعد از این آزمایشات گفتگویی بین هند و امریکا در مورد مسائل هسته‌ای و امنیتی مربوط به آن آغاز شد. دور دهم این گفتگوها در ژانویه ۲۰۰۰ در لندن صورت گرفت.^(۱۴) بعد از ۱۱ سپتامبر روابط هند و امریکا در سطح استراتژیک ادامه داشت. در گزارش استراتژی امنیت ملی امریکا که در سپتامبر ۲۰۰۲ ارائه شد اهمیت هند مشخص شده است: "ایالات متحده عهده‌دار یک تحول کامل در روابط دو جانبه‌اش با هند شده و بر مبنای اعتقاد راسخ به این که مصالح امریکا یک رابطه محکم با هند را ایجاد می‌کند. امروزه با یک نگرش جدید به هند به عنوان یک قدرت جهانی رو به رشد که با هم منافع مشترک داریم، می‌نگریم."^(۱۵)

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، هند پیشنهاد حمایت بی‌قید و شرط از امریکارا نمود. از نظر پاکستان، هند می‌خواست از این فرصت استفاده کرده و با عنوان "تروریسم فرامرزی" فرصت را

برای اعمال فشار هر چه بیشتر بر پاکستان مغتنم شمارد. همچنین هند می‌خواست از روابط حسنه دیرینه خود با بخش غیرپشتون جامعه افغانی اتحاد شمال بهره‌برداری کند.^(۱۶)

حمله به مجلس ایالتی جامو و کشمیر در اول اکتبر و حمله به پارلمان هند در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ منجر به افزایش نیروها در امتداد مرزهای بین‌المللی هند با پاکستان و واکنش متقابل شد و تنش‌های زیادی را ایجاد کرد. پاکستان حمله به پارلمان هند را محکوم کرد اما همزمان ادعا کرد که این اقدام را ممکن است عناصر هندی سازمان‌دهی کرده باشند تا پاکستان را بدنام کنند. ژنرال مشرف در نطق خود در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۲ بنیادگرایی و افراط‌گرایی مذهبی را در کشورش محکوم کرد و اعلام کرد که دیگر از خاک پاکستان برای سازمان‌دهی اعمال خشونت بار تروریستی علیه هیچ کشوری استفاده نخواهد شد.^(۱۷) اما ده ماه طول کشید تا هند فرمان عقب‌نشینی به نیروهای خود را بدهد. بدون شک امریکا در این امر دخیل بود، ولی جو عدم اعتماد هنوز بر فضای رسمی سایه افکنده است و هند همچنان پاکستان را به خاطر اجازه دادن به "نفوذ از خطوط مواصلاتی" مقصر می‌داند پاکستان حمایت از این فعالیت‌های فرامرزی را انکار می‌کند.

ارتباط امریکا با هندو با پاکستان متفاوت است. امریکا به هند به عنوان یک شریک استراتژیکی و یک قدرت جهانی نگاه می‌کند در حالی که ارتباط این کشور با پاکستان عمدتاً در زمینه پیوستن پاکستان به جنگ علیه تروریسم به رهبری امریکا است. از نظر پاکستان روابط استراتژیکی بین امریکا و هند، به این معنی است که منافع پاکستان در منطقه با منافع هند و امریکا برخورد دارد.^(۱۸) همکاری نزدیک استراتژیکی بین هند و امریکا در تمرینات نظامی مشترک و رفع تحریم‌ها در زمینه فن‌آوری و انتقال سیستم‌های دقیق مشخص است. هند و امریکا اولین قرارداد معامله تسلیحاتی خود را برای بیش از چهار دهه در آوریل ۲۰۰۲ امضا کردند در این قرارداد امریکا متعهد به مدرنیزه کردن سیستم‌های نظامی هند شد. بنا به گفته وزارت دفاع امریکا "این فروش، کمک به بالا بردن امنیت کشوری است که نیرویی برای ثبات سیاسی و پیشرفت اقتصادی در جنوب آسیا بوده و هست و به سیاست خارجی و منافع امنیت ملی امریکا کمک می‌کند."^(۱۹)

اما به طور کلی می‌توان گفت در ابتدا هند به رغم پیوستن به ائتلاف ضد تروریسم به رهبری امریکا تردید و تامل خود را درخصوص انگیزه و خط مشی امریکا بیان می‌کرد. رنجش دهلی نو به خصوص از این موضوع بود که امریکا از افشای هم دستی پاکستان در تروریسم ظفره می‌رود. دولت و اجپایی، دولت بوش را به اتخاذ معیار دوگانه در این خصوص متهم کرده است وی می‌گوید امریکا معیاری برای القاعده و طالبان و معیار دیگری برای پاکستان به کار می‌گیرد. در انتقاد به استقبال گرم امریکا از پاکستان به عنوان عضو ائتلاف ضد تروریسم، سؤال‌های این است که چگونه پاکستان که خود مساله است می‌تواند بخشی از راه حل باشد. هندی‌ها نگران این مساله هستند که تجدید معاهدات قدیمی بین هند و پاکستان دیپلماسی جدید دهلی نو را درخصوص کشمیر، تضعیف کند.^(۲۰)

از طرف دیگر هند تصمیم دولت بوش در لغو تحریم‌های هند و پاکستان به دنبال آزمایش‌های هسته‌ای را مورد انتقاد قرار داد. این تحریم‌ها برای پاکستان سخت‌تر بود تا برای هند به این دلیل که تا پایان دوران ریاست جمهوری کلینتون بسیاری از حلقه‌های زنجیر تحریم هند برداشته شده بود.^(۲۱) اما امریکا به این منظور که هند و پاکستان را به خاطر پیوستن به ائتلاف ضد تروریسم تشویق کرده باشد، در اجرای سیاست ایجاد موازنه بین دو کشور تحریم‌های هر دو کشور را لغو نمود.

در مجموع می‌توان گفت هند معتقد است که امریکا به هند و نه به پاکستان در منطقه باید به دید یک "شریک استراتژیک" نگاه کند و این نگرش را که امریکا به پاکستان فرصت‌ها و کمک‌هایی برای شرکت در ائتلاف علیه تروریسم ارائه کرده و به دیدی متوازن به دو کشور نگاه می‌کند، مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است که قدرت و توان استراتژیک هند در مقایسه با چین و روسیه در منطقه برای امریکا قابل مقایسه نیست و از این جهت به دنبال تغییر نگرش امریکا در آسیای جنوب غربی به نفع خود می‌باشد. گرچه از دید پاکستانی‌ها این نگرش در استراتژی امنیت ملی امریکا در سال ۲۰۰۲ ملحوظ شده است.^(۲۲)

نقش افغانستان در جنگ علیه تروریسم و استراتژی جدید

تا ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ هنگامی که حمله امریکابه القاعده و طالبان در افغانستان آغاز شد، افغانستان بیش از دو دهه درگیری ویرانگری را متحمل شده بود. این کشور تخریب شده بود و حدود بیست درصد از جمعیت این کشور به ایران و پاکستان مهاجرت کرده و تقریباً دویست هزار افغانی در اثر انفجار مین معلول شده بودند. کشاورزی، صنایع و جاده‌های این کشور تخریب شده بود و در عوض تجارت مواد مخدر و ترور جایگزین آن شده بود. بی‌سوادی و سوء تغذیه در این کشور روندی صعودی را طی می‌کرد و متوسط طول عمر تا حدودی بیش از چهل سال بود. صندوق بین‌المللی پول درآمد سرانه افغانستان را بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ دلار (یکی از پائین‌ترین رده‌ها در جهان) برآورد کرده بود. (۲۳)

اکنون پس از گذشت دو سال از زمان سقوط طالبان مشکلات بسیاری باقی مانده است. این کشور کاملاً بازسازی نشده و امنیت در جنوب و شرق اوضاع نابسامانی دارد. دولت مرکزی کنترل کمی بر اوضاع ایالت‌های مختلف این کشور دارد. وضعیت امنیتی در مرز با پاکستان وخیم‌تر است و ممکن است طالبان در واحدهای بزرگتر و منسجم‌تر ظاهر شوند. برنامه‌های امدادی سازمان‌های بشردوستانه به دلیل وضعیت امنیتی محدود شده است. مناطق بسیاری همچنان تحت سلطه قدرتمندان محلی هستند که خارج از کنترل قدرت مرکزی اقدام می‌کنند. برخی گزارش‌ها حاکی از افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان است و به دلیل سودی که نصیب تولید کنندگان می‌شود سطح زیرکشت خشخاش ممکن است باز هم افزایش یابد. (۲۴)

اما در این دو سال افغانستان شاهد پیشرفت‌هایی هم بوده است. وضعیت زنان و کودکان بهبود یافته و فعالیت مطبوعات و دیگر رسانه‌های گروهی افزایش یافته است. حکومت افغانستان در اختیار فردی است که در یک جریان مسالمت‌آمیز به قدرت رسیده است و دولت توانسته به نحو فعالی توافقنامه بن را اجرا نماید. یک کمیسیون قانونی برای نهایی کردن پیش‌نویس قانون اساسی ایجاد شد تا توسط لویه جرگه تصویب شود. کمیسیون انتخابات با کمک سازمان ملل زمینه را برای انتخابات سال آینده فراهم می‌کند. دولت کمرزای برای گسترش و اقتدار دولت

مرکزی اقدام به تغییر فرمانداران چند ایالت نموده و از آنان خواسته تا درآمدهایی را که به دست می‌آورند به مرکز ارسال نمایند. دولت افغانستان همچنین تغییراتی در وزارت دفاع انجام داده است. تیم‌های بازسازی استانی با کمک دولت‌های کمک دهنده خارجی در افغانستان تشکیل شده است. در ماه اوت ۲۰۰۳ ناتو نیروهای ایساف را در کابل مستقر کرده است. این اولین استقرار عمده نیرو از طرف این پیمان در خارج از اروپاست. آموزش و تجهیز ارتش جدید ملی افغانستان تحت نظارت امریکا آغاز شده است و یک برنامه آزمایشی خلع سلاح در برخی مناطق به مرحله اجرا درآمده است. (۲۵)

در زمینه اقتصادی شهرهای بزرگ افغانستان رشد تازه‌ای را تجربه می‌کنند. انتظار می‌رود که در مناطق باثبات‌تر شمالی بهترین برداشت محصول در ۲۵ سال گذشته صورت بگیرد. جاده‌ها در حال بازسازی است و این به توسعه اقتصادی مناطق محروم در این کشور و تبادل تجارت محصولات و تولیدات کمک شایانی می‌کند. ایالات متحده در سال ۲۰۰۲، ۱۰ میلیارد دلار در افغانستان هزینه کرد که بیش از ۹ میلیارد دلار آن برای عملیات نظامی بود و تنها ۶۰۰ میلیون دلار به توسعه و بازسازی افغانستان اختصاص داده شد. (۲۶)

در سال جاری (۲۰۰۳) بوش رئیس جمهور امریکا خواهان ۷۹۹ میلیون دلار اعتبار اضافی به عنوان بودجه مکمل برای تسریع در بازسازی افغانستان شد. این مبلغ به ۳۹۰ میلیون دلاری که از طرف وزارت دفاع و خارجه امریکا تامین شده بود افزوده می‌شود و به طور کلی حدود ۱/۲ میلیارد دلار تا ژوئن ۲۰۰۴ به افغانستان ارائه خواهد شد. (۲۷)

گرچه این رقم در مقایسه با بودجه‌ای که امریکا در عراق خرج می‌کند بسیار کم است. از ۷۸ میلیارد دلاری که بوش از کنگره برای عراق و افغانستان درخواست کرد تنها ۱/۲ میلیارد دلار به افغانستان اختصاص داده شد درحالی که در عراق هفته‌ای یک میلیارد دلار خرج می‌شود. (۲۸)

البته باید توجه داشت که منافعی که امریکا از نفت عراق به دست می‌آورد نیز قابل مقایسه با افغانستان نیست. این کمک امریکا برای مقابله با سه چالش عمده افغانستان می‌باشد: ۱. پیشرفت امنیتی. ۲. تسریع در بازسازی. ۳. حمایت از لیبرال دموکراسی و کمک به انتخابات آتی. نیمی از این

اعتبار به تأمین امنیت، آموزش و تجهیز نیروی نظامی و پلیس اختصاص خواهد یافت تا از این طریق نفوذ و اقتدار دولت مرکزی تقویت شده و خلأ امنیتی که اکنون رهبران شبه نظامی محلی و نیروهای آنها، آن را پر کرده‌اند، تأمین شود.

حدود ۳۰ درصد از این اعتبار صرف کمک به بازسازی جاده‌ها، مدارس، تسهیلات درمانی و پروژه‌های دیگر خواهد شد تا زیربنای اقتصادی و سیاسی کشور تقویت شود و ۲۰ درصد از این اعتبار به حمایت از لویه جرگه و انتخابات آینده اختصاص داده می‌شود. در واقع امریکا استراتژی سه سویه‌ای را با تمرکز بر امنیت، بازسازی و دموکراسی در افغانستان دنبال می‌کند.

مهندسی نظام جدید منطقه‌ای

همانطور که اشاره شد ۱۱ سی‌تامر پی‌آمدها و اثرات منطقه‌ای گسترده‌ای در آسیای جنوب غربی داشت و موجب تغییر نظام گذشته و ایجاد نظام جدیدی در این منطقه شد. چند نکته در صفت‌بندی‌های جدید منطقه‌ای قابل توجه است:

۱. هر سه کشور پاکستان، افغانستان و هند با تأکید بر نقش مهم خود در منطقه در نظر دارند که به نحوی حمایت و کمک امریکا را جلب نمایند و نقش مهمی در استراتژی امریکا ایفا نمایند. هند دارای توانایی‌های استراتژیک منطقه‌ای می‌باشد در حالی که پاکستان، بابر خورداری از سلاح‌های هسته‌ای و رقابت با هند سعی دارد با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی خود و این که در برهه‌های حساس نظیر تجاوز ارتش کمونیسم به افغانستان و برای حمله به طالبان و سرنگونی القاعده از این موقعیت استفاده شده است، موقعیت خود را نزد امریکا همچنان با اهمیت نشان دهد. افغانستان نیز بر این مسئله تأکید می‌کند که عدم توجه به این کشور، آن را پایگاهی برای پرورش و تربیت تروریست و ارسال آنان نه تنها به این منطقه بلکه به سراسر جهان نمود و در نهایت این امر منافع امریکا را در معرض مخاطره قرار داد.

۲. مسئله دیگر توجه به ساختار داخلی این کشورها می‌باشد. هند کشوری است که از نظر

سیاسی، بزرگترین دموکراسی جهان خوانده می‌شود، درحالی‌که در پاکستان یک ژنرال نظامی بر امور سیاسی و اداره امور کشور مسلط است و این کشور به خاطر کودتای نظامی ۱۹۹۹ مورد تحریم غرب قرار گرفت ولی اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی آن پس از ۱۱ سپتامبر موجب لغو این تحریم گردید.

گرچه ژنرال مشرف نیز سعی کرد با برگزاری انتخابات به حکومت نظامی خود وجهه‌ای دموکراتیک ببخشد، در واقع آمریکا با حمایت همزمان از این دو کشور در سیاست خود یک خط مشی متناقض را دنبال می‌کند.

۳. تنش‌های منطقه‌ای پس از ۱۱ سپتامبر شکل جدیدی به خود گرفته است، از طرفی شاهد تنش گذشته میان هند و پاکستان هستیم و از طرف دیگر اختلافات گذشته در قالبی جدید یعنی جنگ علیه تروریسم مطرح می‌شود. هند، پاکستان را به "حمایت فرامرزی" از تروریسم در کشمیر متهم می‌نماید و پاکستان معتقد است که هند از برخی گروه‌های نفوذی در عملیات تروریستی در این کشور حمایت به عمل می‌آورد. ولی از طرف دیگر تنش‌های جدیدی در این منطقه ایجاد شده است. قبل از ۱۱ سپتامبر طالبان بر افغانستان حاکم بود که مورد حمایت کامل دولت پاکستان بود اما پس از حمله آمریکا بر افغانستان از طرفی دولت پاکستان از حمله آمریکا به طالبان حمایت می‌کرد و از طرف دیگر گزارش‌هایی در مورد حمایت غیررسمی پاکستان از عوامل گذشته رژیم طالبان برای حملات نامنظم و استفاده از مناطق و ایالات هم مرز پاکستان با افغانستان مشاهده می‌شود. دولت کرزای نیز بارها ادعا کرده است که پاکستان از عوامل رژیم طالبان برای حمله به افغانستان و بی‌ثباتی در جنوب افغانستان حمایت می‌کند. آمریکا از طرفی سیاست ایجاد توازن بین هند و پاکستان را دنبال می‌کند از طرف دیگر پاکستان را برای محدود کردن و کنترل اقدامات فرامرزی نیروهای تروریستی در هند و افغانستان تحت فشار می‌گذارد.

۴. رقابت‌های منطقه‌ای نیز شکل جدیدی به خود گرفته است. قبل از ۱۱ سپتامبر بر سر افغانستان میان ایران و پاکستان رقابت وجود داشت. اما پس از روی کار آمدن دولت جدید در افغانستان رقابت میان هند و پاکستان بر سر افغانستان شدت گرفت. در گذشته هند با رژیم طالبان

مخالف بود و از اتحاد شمال حمایت می‌کرد، اکنون به حمایت همه جانبه از دولت جدید پرداخته و روابط خود را در همه زمینه‌ها با آن دولت توسعه داده است. پاکستان معترض این توسعه روابط است و آن را گامی در جهت محدود کردن پاکستان می‌داند^(۲۹) و معتقد است که به رغم تلاش فراوان پاکستان در جهت منافع امریکا در افغانستان، به نگرانی‌ها و منافع این کشور در مرزهای غربی آن توجه کافی نشده است و به هند اجازه داده شده که با هزینه پاکستان جایگاه استراتژیکی در افغانستان به دست آورد و به این طریق تهدید امنیت پاکستان افزایش یافته است.

از طرف دیگر روابط ایران و هند نیز توسعه زیادی داشته است و بخشی از این روابط در مورد افغانستان است. پاکستان توسعه این روابط را نیز در جهت تحدید منافع خود می‌بیند. برخی سیاستمداران پاکستانی معتقدند سیاست غلط گذشته پاکستان موجب توسعه روابط هند و ایران شده است^(۳۰) و برخی دیدی واقع‌بینانه دارند و براین باورند که توسعه روابط ایران و هند با روابط ایران و پاکستان در تضاد نیست.^(۳۱)

۵. همکاری‌های فرامنطقه‌ای هر یک از کشورهای این منطقه نیز قابل توجه است. هند در دوره کلینتون رئیس جمهور امریکا به وضوح موقعیتی برتر نسبت به پاکستان در استراتژی آسیایی امریکا به دست آورده بود.^(۳۲) اما حوادث ۱۱ سپتامبر این فرصت را برای پاکستان فراهم آورد که جایگاه خود در استراتژی آسیایی امریکا را ترمیم نموده و بهبود بخشد. افغانستان که جایگاهی در این استراتژی نداشت مورد توجه قرار گرفت و بوش رئیس جمهور امریکا امتیازات ویژه‌ای به منظور بهبود وضعیت این کشور به آن اختصاص داد.

پاکستان همواره همکاری هند و اسرائیل رانه تنها خطری برای امنیت خود به عنوان کشوری مسلمان می‌دید بلکه سعی می‌کرد از این موضوع در جهت کاهش روابط کشورهای اسلامی با هند کمک بگیرد. اما اکنون ژنرال مشرف مسأله بررسی روابط اسرائیل و پاکستان را مطرح کرده و این مسأله بحث‌های شدیدی در جراید و رسانه‌های گروهی پاکستان و کشورهای اسلامی به دنبال داشت و این اقدام نشان از تغییر جدی در سیاست خارجی پاکستان دارد.^(۳۳)

از طرف دیگر پاکستان بهترین بهره را پس از ۱۱ سپتامبر از توجه کشورهای غربی برای

تقویت اقتصاد خود و جذب کمک‌های خارجی برد. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به پاکستان کمک کرده‌اند تا بازپرداخت ۱۲/۵ میلیارد دلار دیون عقب افتاده را به کشورهای غربی قسط بندی مجدد کند و به یک میلیارد دلار وام بدون بهره دست یابد. ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ یک میلیارد دلار از دیون دوجانبه را لغو کرد و در سال ۲۰۰۳ هم جرج بوش ۳ میلیارد دلار کمک بلاعوض دیگر را ظرف پنج سال آینده به پاکستان قول داد. آقای جمالی نخست وزیر پاکستان در سفر به واشنگتن سعی کرد بوش را متقاعد کند که برای مقابله با میلیارد‌ها دلار سلاح‌های پیشرفته هند که در سال‌های اخیر از امریکا خریداری شده است، سیستم‌های تسلیحاتی نوین به پاکستان بفروشد. (۳۴)

نتیجه‌گیری

اصول امنیتی جدید امریکا که به طور گسترده در گزارش استراتژی امنیت ملی سپتامبر ۲۰۰۲ تشریح شده، یک تغییر استراتژیک را در سیاست امنیت ملی امریکا مشخص می‌کند. این تغییر در موضع به امریکا اجازه داده است که سیاست استراتژیک جهانی تجاوزکارانه‌تری را اتخاذ نماید. این سیاست موجب ایجاد ارتباطات امنیتی در قالب اتحادهای چندگانه، ساختارهای مشارکتی و معاهدات می‌باشد.

حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شوکی به امریکا وارد کرده بود اما امریکا آن را تبدیل به فرصتی برای پیشبرد منافع خود در منطقه کرد. این کشور با حضور خود در افغانستان و ایجاد روابط نزدیک با کشورهای منطقه موقعیت خود را برای پیشبرد منافع اقتصادی و استراتژیک بیش از پیش تحکیم نمود. امریکا اکنون در جایگاه مناسبی برای تعقیب اهداف خود در آسیای مرکزی و زیر نظر گرفتن دشمنان استراتژیک بالقوه خود نظیر روسیه و چین قرار گرفته است. جاذبه اقتصادی و پتانسیل هند به عنوان وزنه تعادل برای چین در آینده برای امریکا افزایش یافته است. اما این مسأله موجب نمی‌شود که اهمیت فزاینده ژئواستراتژیکی پاکستان از نظر امریکا نادیده انگاشته شود. از این جهت امریکا ایجاد سیاست توازن بین هند و پاکستان را در پیش گرفته است.

افغانی‌های ضد طالبان می‌گویند که با فاجعه ۱۱ سپتامبر منافع قدرتمندترین و ضعیف‌ترین ملت‌های جهان با هم یکی شد. یکی از افغانی‌ها در این مورد می‌گوید: "قبل از ۱۱ سپتامبر ما گریه و زاری می‌کردیم که جهان ما را از دست این ظالمان، طالبان، نجات دهد. اما پس از ۱۱ سپتامبر این جهان بود که اشک می‌ریخت، از هنگامی که امریکا مورد حمله قرار گرفت ما خوشبخت شدیم."^{۳۵}

با حمایت امریکا، دولت کرزای در کابل منصوب شد. اما بعید به نظر می‌رسد جنگ با تروریسم در افغانستان پایان نزدیکی داشته باشد. نادیده گرفتن افغانستان پس از خروج نیروهای اتحاد شوروی از این کشور و اضمحلال نظام کمونیستی موجب به قدرت رسیدن طالبان در این کشور شد. گرچه امریکا در ابتدا با این رژیم همکاری داشت ولی در نهایت حملات ۱۱ سپتامبر امریکا را دچار خسارت و شوک عظیم و بی‌سابقه‌ای نمود و منجر به تدوین استراتژی جدید از سوی محافظه‌کاران جدید امریکا شد که تمامی جهان را براساس الگوها و اهداف امریکا شکل دهند.^{۳۶} بنابراین سه کشور عمده منطقه آسیای جنوب غربی همانطور که اشاره شد جایگاه ویژه‌ای در این استراتژی جدید به خود اختصاص داده‌اند. همکاری این کشورها با امریکا و تلاش هر یک از آنان برای ارتقای جایگاه خود در نزد امریکا، نکته‌ای است که بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران اثرات قابل توجهی دارد و نمی‌تواند نادیده انگاشته شود. از آنجا که ایران در همسایگی این کشورها قرار دارد اهمیت امنیت منطقه برای ما بیشتر است. سیاست کلی ایران در قبال کشورهای منطقه ایجاد ثبات و صلح می‌باشد از این جهت ایران در سیاست خارجی خود به دنبال حل و فصل هرگونه اختلافات نه تنها با همسایگان بلکه بین همسایگان است زیرا براین اعتقاد است که رشد و توسعه منطقه در گرو حفظ صلح و ثبات است.

یادداشت‌ها

1. Amir Mateen, "US seeks Pak help in retaliatory attack", *The News International Pakistan*, Sep. 14, 2001.
2. Fazal- UR- Rahman, "Pakistan and the War on terrorism", *Strategic Studies*, Autumn 2003.
3. *Dawn*, Sep. 20, 2001.
4. *The News*, July 18, 2003.
5. "Oh, what a lovely ally", *Economist*, Oct. 17, 2002.
6. *Dawn*, January 13, 2002.
7. "Pakistan, a Troubled Ally", *New York Times*, Sep. 21, 2003.
8. *The Nations*, Jan. 10 2002.
9. نگاه کنید به عرفان صدیقی، "غیرقابل فهم" روزنامه نوای وقت، ۸۲/۷/۷.
10. "My enemy's enemy", *Economist*, 4 Oct. 2003.
11. "Eyeball to eyeball", *Economist*, Jan. 5, 2002.
12. *Economist*, *Op.cit.*
13. Shireen M. Mazari, "The New US Security Doctrine: Implications for the South Asian Region", *Strategic Studies*, Spring 2003, p. 10.
14. *Ibid.*, p. 11
15. US Department of State, *National Security Strategy paper*, Sep 2002, www.globalsecurity.org/military/library/policy/national.
16. www.un.int/pakistan/14010919.html.

17. *Dawn*, January 13, 2002.

18. Mazari, *op.cit.*, p. 19.

19. *Ibid.*, p. 20.

20. J.K. Baral, "The US War against Terrorism: Implications for South Asia", *Strategic Analysis*, Oct- Dec 2002.

این مقاله توسط خانم پریوش مظفری گورانی ترجمه شده و در ماهنامه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، ۱۷۳، مهر ۱۳۸۲ چاپ شده است.

21. *Ibid.*

22. US Department of State, *op.cit.*

23. William B. Taylor (Jr. State Department coordinator for Afghanistan) "United States Policy in Afghanistan", Statment at committee on House International Relations.

24. Mushahid Hussain, "Polites: US headaches grow, two years after war on Afghanistan", *Inter Press service*, 6 oct. 2003.

25. Michael R. Gordon, "Threats and Responses", *New York Times*, Feb. 21, 2003.

26. W.B. Taylor, *op.cit.*

27. Ilana Ozernoy "Afghanistan: The Return of Taliban", *US News World Report* , 29 Sep. 2003.

28. Mushahid Hussain, *op.cit.*

29. Amereh Saeed, "Indian Consulates and New Afghanistan", *Independent* , Nov. 5, 2003, and Mushahid Hussain, *op.cit.*

30. Mohammad Ershad, "Our neighbours", *Defence Journal*, (Karachi), Sep. 2003. Noori.

31. Maqsudul Hasan Nuri, "India and Iran: Emerging Strategic Co-operation?", *IPRI Journal*, Summer 2003.

32. Stephen P. Cohen, "US-South Asia: Relations under Bush" (2001), oxford Analytica, and

"The Elephant and the Pekinese", *Economist*, March 18, 2000.

۳۳. روزنامه جنگ، ۱۸ ژوئن ۲۰۰۳.

34. "My enemy's enemy", *Economist*, Oct. 4, 2003.

35. Ilana Ozerney, *op.cit.*

۳۶. سیدمحمد کاظم سجادپور، "کالبدشناسی مؤسسات پژوهشی آمریکا: محافظه کاران جدید، ایدئولوژی و پژوهش در سیاست خارجی"، فصلنامه سیاست خارجی، زمستان ۱۳۸۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی